



کد کنترل

101

D

آزمون (نیمه‌متمرکز) ورود به دوره‌های دکتری - سال ۱۴۰۱

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه ۱۴۰۰/۱۲/۶



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»

امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

رشته زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

جدول مواد امتحانی، تعداد، شماره سؤال‌ها و زمان پاسخ‌گویی

زمان پاسخ‌گویی	تا شماره	از شماره	تعداد سؤال	مواد امتحانی
۱۲۰ دقیقه	۱۰۰	۱	۱۰۰	مجموعه دروس تخصصی: - کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور - عروض و قافیه - نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤال‌ها به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفان برابر مقررات رفتار می‌شود.

* متقاضی گرامی، وارد نکردن مشخصات و امضا در کادر زیر، به منزله غیبت و حضور نداشتن در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤال‌ها، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤال‌ها و پایین پاسخنامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأنسب لتجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۹)

۱- ﴿ نصر من الله و فتح قريب ﴾:

(۱) نصرت از خداست و فتح قريب!

(۲) یاری از الله است و فتح نزدیک است!

(۳) نصرت خداوند و فتح قريب در راه است!

(۴) یاری و فتحی نزدیک از جانب الله است!

۲- « إن اللغة الفارسية تعود أهميتها إلى أنها كانت أهم وسيط في نقل الكثير من آثار الهند و اليونان و فلسفتها إلى اللغة العربية! »:

(۱) اهمیت زبان فارسی به این امر باز می‌گردد که مهمترین وسیله بود برای نقل تعدادی انبوه از آثار هند و یونان و فلسفه آنها به زبان عربی!

(۲) اهمیت زبان فارسی به این مربوط می‌شود که مهمترین واسطه در نقل تعدادی انبوه از آثار هندیان و یونانیها و فلسفه آنان به زبان عربی بوده است!

(۳) زبان فارسی از این لحاظ اهمیت دارد که واسطه مهمی برای برگرداندن مهمترین آثار هندیان و یونانیان و فلسفه آنان به زبان عربی بشمار می‌آید!

(۴) زبان فارسی وقتی اهمیت یافت که بصورت مهمترین وسیله برای برگرداندن بسیاری از آثار هند و یونان و فلسفه آنان به زبان عربی درآمد!

۳- « حيث إنّه كان لكلّ مدينة حاكم مستقلّ يسعى إلى تسريع الحركة العلمية و الأدبية ليتغلب على منافسيه من الحكّام فقد تقدّم الأدب تقدّمًا عظيمًا! »:

- ۱) بسبب اینکه هر شهری برای خود فرمانروایی جداگانه داشت که در تسريع حرکت علمی و ادبی کوشا بود تا بتواند رقیبان خود در حکومت را شکست دهد، ادبیات پیشرفت عظیمی نموده بود!
- ۲) بسبب اینکه هر سرزمینی دارای فرمانروایی مستقل برای خود بود که بخاطر شکست دادن دیگر رقیبان در علم و ادب تلاش می‌کرد، این امر سبب پیشرفت عظیم ادب شده بود!
- ۳) از آنجا که هر شهری حاکمی مستقل داشت که برای تسريع جنبش علمی و ادبی تلاش می‌کرد تا بر حاکمان رقیب خود غلبه کند، ادب به پیشرفت عظیمی نایل گشت!
- ۴) از آنجا که هر سرزمینی را حاکمی جداگانه بود که برای غلبه کردن بر رقیبان خود در علم و ادب کوشا بود، علم و ادب پیشرفتی مهم یافت!

۴- « قد تمكّن فريق من العلماء من تطوير تقنية جديدة تساعد في الاكتشاف المبكر للإصابة بمرض تليف الكبد! »:

- ۱) گروهی از دانشمندان توانسته‌اند فناوری جدیدی را توسعه دهند که در تشخیص زود هنگام مبتلی شدن به بیماری سیروز کبدی کمک می‌کند.
- ۲) عده‌ای از دانشمندان توانستند تکنولوژی تازه‌ای را پیشرفت دهند که در تشخیص سریع مبتلایان به بیماری نارسایی کبدی کمک می‌کند.
- ۳) عده‌ای از دانشمندان توانسته‌اند تکنولوژی تازه‌ای را توسعه دهند که در تشخیص سریع مبتلایان به بیماری هپاتیت کمک می‌کند.
- ۴) گروهی از دانشمندان توانستند فناوری جدیدی را پیشرفت دهند که در تشخیص زودرس مبتلایان به بیماری کبد چرب کمک می‌کند.

۵- « ما زلت أقيم في هواه غذري حتى رجع العاذلُ يهواه معي! »:

- ۱) کَلَّمَا لَامَنِي اللَّائِمُ فِي هَوَاهُ كُنْتُ أَبِينُ أَسْرَارِي فِي الْمَحَبَّةِ فَاسْتَمَرَّرْتُ فِي ذَلِكَ حَتَّى عَشَقَهُ هُوَ أَيْضًا.
- ۲) أُقِيمُ فِي حَبَّةِ دَائِمًا وَ أَنَا مَعذُورٌ حَتَّى يَرْجِعَ اللَّائِمُ بِاللَّوْمِ عَلَيَّ هَوَاهُ وَ أَنْجُو مِنْ لَوْمِهِ.
- ۳) مَا زَلْتُ أُقِيمُ فِي الْهَوَى الْعَذْرِي حَتَّى صَارَ اللَّائِمُ عَاشِقًا لِي مِثْلِي.
- ۴) لَيْسَ لِي فِي حَبَّةِ عَذْرٍ حَتَّى عَادَ الْعَاذِلُ مَعِي يَحِبُّهُ تَرْحَمًا عَلَيَّ.

۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِيمَا يَسْتَنْبِطُ كَثِيرًا مِنَ الْعِبَارَةِ النَّتَالِيَةِ: « كَفَيْتُ مَذْمُومًا عَنِّي التَّمَائِمُ وَ نِيَطْتُ بِبِي الْعَمَائِمُ بِأَنْ أَعْشَى مَعَانَ الْأَدَبِ »:

- ۱) پشت سر نهادن دوران کودکی و دستیابی به جایگاه علم و ادب.
- ۲) کلافه شدن بخاطر تعویذهای دوران کودکی و علاقه‌مندی به جایگاه علم و ادب.
- ۳) در رنج افتادن بخاطر تعویذهای دوران کودکی و محروم ماندن از جایگاه علم و ادب.
- ۴) حریص بودن برای بدست آوردن جایگاه علم و ادب بعد از پشت سر نهادن دوران کودکی.

۷- « هناك بعض الفتن يُمسي المرء كافرًا بعد أن كان قد أصبح مؤمنًا! ». تدلّ العبارة على أن

(۱) قد يخرج المرء من الكفر إلى الإيمان مساء كل يوم!

(۲) المرء قد يكفر في كل ليلة بعد أن كان مؤمنًا في نهاره!

(۳) المرء قد يخرج من الإيمان إلى الكفر في غضون نهار واحد!

(۴) قد يخرج المرء من الإيمان إلى الكفر في غضون ليلة واحدة فقط!

۸- « اولین نمونه شعر فارسی دری که در مآخذ آمده است به اوایل عهد مأمون و دوره اقامتش در مرو خراسان می‌رسد »:

(۱) أول نموذج للشعر الفارسي بلغة الدرية الذي جاء في المصادر، يرجع إلى الفترة التي أقام المأمون في مدينة مرو بخراسان.

(۲) يعود أول نموذج للشعر الفارسي الذي ذكر في المصادر، إلى أوائل عهد المأمون و فترة إقامته في مرو بخراسان.

(۳) يعود أول نموذج من الشعر الفارسي بلهجة درية جاء في مصادرنا، إلى أوائل عصر المأمون و مدة بقائه بمرو في خراسان.

(۴) أول النماذج من الشعر الفارسي الذي ذكر في مصادرنا، يعود إلى أوائل فترة إقامة المأمون بمدينة مرو في خراسان.

۹- « مهم‌ترین فرمانروای سبسیل یعنی فردریک دوم با زبان عربی آشنایی داشت و در سال ۱۲۲۸ میلادی به قصد شرکت در جنگ‌های صلیبی به بیت المقدس رفت »:

(۱) إنّ أبرز حکام صقلية أي فردريك الثاني كان له إمام باللّغة العربية و توجّه بنفسه في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين الميلادية إلى بيت المقدس للمشاركة في الحروب الصليبية.

(۲) أهمّ الحکام في صقلية كان فردريك الثاني و هو كان متضلعًا من اللّغة العربية و في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين قصد السفر إلى بيت المقدس ليشترك في حروب الصليبيين.

(۳) إنّ أعظم حکام صقلية أي فردريك الثاني كان عارفًا باللّغة العربية و في عام ثمان و عشرين بعد الألف و المائتين سافر بنفسه إلى البيت المقدس و شارك في الحروب مع الصليبيين.

(۴) الحاكم الأبرز من بين حکام صقلية كان فردريك الثاني و يجيد اللّغة العربية فتوجّه إلى البيت المقدس في عام ثمانية و عشرين بعد الألف و المائتين ليشترك في الحروب الصليبية.

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (١٠ و ١١)

١٠- عین الخطأ:

- ١) يكثر الجليد على الجبال العالية قممها!
- ٢) استطار شرر الحادثة و عم صرررها في البلاد!
- ٣) لن ننسى فضل رجال قلائل وهبوا المقدره و الذكاء!
- ٤) لولا ما نهى الله عنه من تركية المرء نفسه لذكر ذاكر فضائل جمه تعرفها قلوب المؤمنين!

١١- عین الخطأ:

- ١) خاف أن يمتد به جنوته إلى ما لا تحمد عقباه!
- ٢) كلما توسل لم يفده التوسل، فاعتري الجماعة الوجوم!
- ٣) لست براص أن تمس عزائم فضالات ما يعطي الزمان!
- ٤) من ضاق عليه الحق فالباطل عليه أضيق و إن شئتم فالحقوا بملاحقكم!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (١٢-١٥)

١٢- ﴿ و قرن في بيوتكن و لا تبرجن تبرج الجاهلية الأولى ﴾. عین الخطأ:

- ١) قرن: فعل أمر من مجرد ثلاثي - معتل و أجوف (له الإعلال بالحذف) / فاعله ضمير النون البارز، و الجملة فعلية
- ٢) تبرجن: مضارع للمخاطبات - مزيد ثلاثي من باب تفعل - مبني على السكون / مجزوم محلاً بحرف لا « الناهية »
- ٣) تبرج: جامد و مصدر من باب تفعل، مفعول مطلق لبيان النوع؛ الجاهلية: مصدر صناعي و مجرور بالإضافة
- ٤) الأولى: مفرد مؤنث (مذكّره: أول) - معرب و مقصور و ممنوع من الصرف، نعت و مجرور بكسرة مقدره

١٣- « فلینظروا أیتا أمضى عزیمة! ». عین الخطأ:

- (١) ينظروا: فعل مضارع مجزوم بحرف اللام، و من ملحقات أفعال القلوب في التعلیق عن العمل في جميع الأحوال، و فاعله ضمير الواو البارز
- (٢) أي: اسم استفهام و معرب، مبتدأ و خبره « أمضى » و الجملة اسمية قد سدّت مسدّ المفعولين لفعل « ينظروا »
- (٣) أمضى: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: مضاء)، نكرة، مقصور، خبر مفرد للمبتدأ « أي » و مرفوع بضمة مقدّرة

(٤) عزیمة: جامد و مصدر (جمعه: عزائم)، تمييز مفرد أو ذات و منقول عن المبتدأ، و مميّزه « أمضى »

١٤- « كفى بك داغ أن ترى الموت شافيا و حسب المنايا أن يكنّ أمانيا ». عین الخطأ:

- (١) يكنّ: مضارع من الأفعال الناقصة، اسمه ضمير النون و الجملة مصدر مؤول و خبر للمبتدأ « حسب »
- (٢) بك: الباء حرف جر زائد، و الكاف ضمير متّصل في محلّ نصب مفعول به لفعل « كفى » مقدّم على الفاعل
- (٣) كفى: فعل ماضٍ و فاعله ضمير الكاف في « بك »، و مفعوله المصدر المؤول « أن ترى » تأويله: رؤيتك

(٤) ترى: فعل مضارع مهموز العين، فاعله ضمير « أنت » المستتر و مفعوله « الموت » و الجملة مصدر مؤول و فاعل لفعل « كفى »

١٥- « فأكثر ما تلقى الفقير مدهنا و أكثر ما تلقى الغني مرانیا ». عین الصحیح:

- (١) « مدهنا » و « مرانیا » حالان من المبتدأ، و هما خبران في محلّ الرفع
- (٢) « ما » موصول اسمي، و هو مضاف إليه لـ « أكثر » و فاعله في المعنى
- (٣) « ما » في « ما تلقى » موصول حرفي، و هو و صلته في محلّ الرفع على الخبرية
- (٤) « مدهنا » و « مرانیا » حالان من المفعول به، لا تصلحان للخبرية، و الخبر في الجملتين محذوف وجوباً

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٦-٢٠)

١٦- ﴿ ... صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالّين ﴾. عین الصحیح عن « ال » في « الضالّين »:

- (١) للعهد الذهني
- (٢) اسم موصول
- (٣) لبيان الجنس
- (٤) عوض عن المضاف إليه

۱۷- عین ما یختلف فيه نوع « اللام » عن البقیة:

- (۱) ﴿ مناع للخیر مُعدّ ائیم ﴾
 (۲) ﴿ سماعون للكذب اكالون للسحت ﴾
 (۳) ﴿ و علمناه صنعة لبوس لكم ﴾
 (۴) ﴿ و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون ﴾

۱۸- عین الواو لا تكون إلا معیة:

- (۱) إنّ الله یرزقنا و یتاکم لو کنا کادحین.
 (۲) کلّ طالب و جهده متلازمان فی العمل.
 (۳) نجحت أنا و اثنتین من زمیلاتی فی الامتحان.
 (۴) بعد غیاب الشمس طلع النجم و القمر فی السماء.

۱۹- عین الصحیح فی البناء للمجهول:

- (۱) حوّلنا الله الحریة فی الحیاة ← حوّلت الحریة فی الحیاة.
 (۲) ذهبتُ بالفتاة إلى المدرسة ← ذُهِبْتُ بالفتاة إلى المدرسة.
 (۳) ذهبتُ بالفتاة إلى المدرسة ← بالفتاة ذُهِبَ إلى المدرسة.
 (۴) عاقبَ المعلمُ الكسولَ ← عُوِِبَ الكسولُ من المعلم.

۲۰- عین النعت السببی:

- (۱) أیها الناس المجتمعمة أبدانهم، فیلکم یطمع فیکم الأعداء!
 (۲) إنّ الخطایا خیل شمس حمل علیها أهلها!
 (۳) القرآن أنیق الظاهر و عمیق الباطن!
 (۴) وُقر سمعٌ لم یفقه الواعیة!

۲۱- با توجه به آیین تشرّف، کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) رفتن سیاهوش به توران و کشته‌شدن وی
 (۲) رفتن رستم به کابل و افتادن وی در چاه
 (۳) افکندن زال در کودکی در دامنه البرز از سوی سام
 (۴) رفتن بیژن به توران و زندانی‌شدن وی در چاه افراسیاب

۲۲- درون‌مایه اصلی بیت زیر چیست؟

« کف راد محمود والاتبّار
 نُه اندر نُه آمد سه اندر چهار »

- (۱) طعن
 (۲) مدح
 (۳) هجو
 (۴) هزل

۲۳- گویندهٔ ابیات زیر کدام شخصیت شاهنامه است؟

جهان را به خوبی من آراستم
 خور و خواب و آرامتان از منست
 بزرگی و دیهیم شاهی مراسمت
 همه موبدان سرفکنده نگون
 منی چون بیبوست با کردگار
 چنانست گیتی کجا خواستم
 همان کوشش و کامتان از منست
 که گوید که جز من کسی پادشاست
 چرا کس نیارست گفتن نه چون
 شکست اندر آورد و برگشت کار

- (۱) ضحاک
 (۲) هوشنگ
 (۳) کیکاووس
 (۴) جمشید

- ۲۴- معنی «از بن دندان» در کدام بیت متفاوت است؟
- (۱) بنده‌وارم فلک افکند اگر حلقه به گوش
(۲) کعبه اقبال درگاه تو عالم زین قبل
(۳) گر به دندان ز جهان خیره درآویزم
(۴) گر نهنگ حکم حق بر جان ما دندان زند
- ۲۵- در بیت زیر شاعر به چه چیزی افتخار می‌کند؟
«بازی است پیش حکمت یونانم»
- (۱) آشنایی با اندیشه‌های حلاج
(۲) آشنایی با اندیشه‌های نوافلاطونی
(۳) آشنایی با تأویل و تفسیر قرآن
(۴) آشنایی با اندیشه‌های افلاطونی (فلسفه اشراق)
- ۲۶- معنی بیت زیر کدام است؟
«با وجودش ازل پریر آمد»
- (۱) ازل نمی‌تواند سرمدی بودن خداوند را بیان کند.
(۲) ازل نسبت به قدمت الهی متأخر است.
(۳) ازل نسبت به وجود تأخر ذاتی دارد.
(۴) خداوند، ازلی؛ یعنی قدیم است.
- ۲۷- کدام بیت می‌تواند بیان‌کننده «نظریه کسب» از دیدگاه اشاعره باشد؟
- (۱) هم از او دان که جان سجود کند
(۲) چون تو از بود خویش گشتی نیست
(۳) چون برون آمدی ز جان و ز جای
(۴) با تقاضای عقل و نفس و حواس
- ۲۸- مفهوم دو بیت زیر در کدام گزینه ذکر شده است؟
«گردننی بایسدت عزازیلی
سیلی‌ای کز دو دست دوست خوری»
- (۱) خیر و شر نیست در جهان اصلا
(۲) در ره جبر و اختیار خدای
(۳) بنندگان را که از قدر حذر است
(۴) حکم و تقدیر او بلا نبود
- ۲۹- مفهوم «طرح کردن» در بیت زیر کدام است؟
«در غنایی خواهد افتاد از کفش گیتی چنانک»
- (۱) معاف کردن از زکات
(۲) مانع اعطای زکات شدن
(۳) به تکلف زکات بخشیدن
(۴) بر تهیدستان زکات مقرر کردن
- ۳۰- مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه است؟
«بنمود در ولی و عدو خلقش آن اثر»
- (۱) اخلاق ممدوح در مواجهه با مخالفان چون قصب نرم و با دوستان چون گوهر تابناک است.
(۲) اخلاق ممدوح در مواجهه با مخالفان به تابناکی ماه و قصب و با دوستان به گرمی خورشید و لعل است.
(۳) اخلاق ممدوح در مواجهه با دشمنان چون تأثیر ماه در کتان و برای دوستان چون تأثیر خورشید در لعل‌سازی است.
(۴) اخلاق ممدوح در مواجهه با دوستان چون تأثیر ماه در کتان و برای دشمنان چون تأثیر خورشید در لعل‌سازی است.
- می‌کنم خدمت شاه از بن دندان چو خلال
روز و شب گردون طوافش از بن دندان کند
نهلتدم بپرند از بن دندانم
ما به پیش خدمت او از بن دندان شویم
- زیرا که ترجمان طواسینم»
- ۲) آشنایی با اندیشه‌های نوافلاطونی
۴) آشنایی با اندیشه‌های افلاطونی (فلسفه اشراق)
- یگه آمد ولیک دیر آمد»
- ۲) ازل نسبت به قدمت الهی متأخر است.
۴) خداوند، ازلی؛ یعنی قدیم است.
- کابر هم ز آفتاب جود کند
کمر جهد بند و در ره ایست
پس ببینی خدای را به خدای
کی توان بود کردگارشناس
- تا زند دست لعنتش سیلی
همچو بادام بی دو پوست خوری»
- نیست چیزی ازو نهان اصلا
بی تو و با تو نیست کار خدای
آن نه زیشان که آن هم از قدر است
هرچه آید بجز عطا نبود
- بر مساکین طرح باید کرد اموال زکات»
- ۲) مانع اعطای زکات شدن
۴) بر تهیدستان زکات مقرر کردن
- کاندر قصب نمود و گهر، ماه و آفتاب»
- ۱) اخلاق ممدوح در مواجهه با مخالفان چون قصب نرم و با دوستان چون گوهر تابناک است.
۲) اخلاق ممدوح در مواجهه با مخالفان به تابناکی ماه و قصب و با دوستان به گرمی خورشید و لعل است.
۳) اخلاق ممدوح در مواجهه با دشمنان چون تأثیر ماه در کتان و برای دوستان چون تأثیر خورشید در لعل‌سازی است.
۴) اخلاق ممدوح در مواجهه با دوستان چون تأثیر ماه در کتان و برای دشمنان چون تأثیر خورشید در لعل‌سازی است.

۳۱- در کدام بیت مراتب یقین بیان شده است؟

لیک در حق دائماً مستغرقی
چون بدانستی مکن این راز فاش
حاش لاله گمر تو گویی حق بود
سوی آن حضرت نسب کردی درست

۱) گر تو گشتی آنچه گفتم نه حقی
۲) حق بدانستی بین آنکه بیاش
۳) هر که او آن گشت مستغرق بود
۴) این بدان چون این بدانستی نخست

۳۲- کدام گزینه درباره دو بیت زیر درست است؟

فلک را تا صلیب آید هویدا
به تربیع صلیب باد پروا

« ز خط استوا و خط محور
ز تثلیثی کجا سعد فلک راست

۱) منظور از صلیب فلک، صورتی فلکی در منطقه البروج است به شکل چلیپا.
۲) منظور از سعد فلک قرار گرفتن دو سیاره زهره و مشتری در فاصله یک برج است که بدان قران فلکی نیز گفته‌اند.
۳) تربیع آن است که میان قمر و کوکب دیگر شصت درجه باشد که چهار حصه فلک است و آن را نشانه دوستی دانسته‌اند.
۴) تثلیث نظر دو سیاره (ماه و مشتری یا ماه و زهره) است به فاصله صد و بیست یا دویست و چهل درجه و آن نشانه دوستی کامل است.

۳۳- در کدام بیت به منزلی از منازل حج اشاره شده است؟

بر زبانه جای استقصای باران دیده‌اند
کوس را از زبردستان، زیر و دستان دیده‌اند
لاجرم حاج از حد بابل خراسان دیده‌اند
هم بر آن ترتیب کز سادات و اعیان دیده‌اند

۱) چار صفهای ملک در صقه‌های نه فلک
۲) قاع صفصف دیده و صف صف سپهداران حاج
۳) گفتمی از مغرب به رجعت کرده مشرق آفتاب
۴) رفته و سعی صفا و مروه کرده چار و سه

۳۴- با توجه به بیت زیر کدام گزینه درباره «بیروح» و «وقواق» درست است؟

سخن‌سرای شود چون درختک وقواق
بسی نماند که بیروح در زمین ختن

۱) بیروح نام پرنده‌ای است در زمین ختن که با خوردن نوعی گیاه به نام وقواق آواز خوشی سر دهد.
۲) بیروح نام پرنده‌ای است در آسیای میانه که در میان درخت وقواق لانه گزیند و هر که آشیان او خراب کند، بمیرد.
۳) بیروح گیاهی است که خوردن دانه آن فصاحت افزایش دهد، وقواق ناحیتی است که بلبلان بر درختان آن لانه گزینند.
۴) بیروح مردم‌گیا است، قداما اعتقاد داشتند که هر کس آن را از ریشه برکنند، بمیرد، وقواق نام کوهی است و در آن درختی است که میوه‌ای به صورت آدمی آرد.

۳۵- کاربرد ترکیب «اشک داوود»، در کدام بیت متفاوت است؟

خوش بنالید که داوود نوایید همه
در یوسف تو نکرد تأثیر
آن همه چون سبحة در یک ریسمان آورده‌ام
بر کرده به ریسمان بی‌بم

۱) اشک داوود چو تسبیح ببارید از چشم
۲) کاین نوحه نوح و اشک داوود
۳) دیده‌ام عشاق ریزان اشک داوود از طرب
۴) بر هر مژه در چو اشک داوود

۳۶- مفهوم «پل شکستن» در کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

گهی بر آب چشمه پل شکستی
این پل آبرنگ را کی شکتم دریغ من
وفا گل بود بر دشمن فشاندی
پل همه بر دوستان خواهد شکست

۱) زمانی پل بر آب چشمه بستنی
۲) بین که پل جفا فلک بر دل من شکست و من
۳) جفا پل بود بر عاشق شکستی
۴) دشمنان از داغ هجرش رسته‌اند

- ۳۷- مفهوم مصرع اول در کدام گزینه آمده است؟
 نیفئه روبهه چو پلنگی به زیر (۱) پوست روباه را بستر ساختن
 نافیئه آهوه شوده زنجیر شیر (۲) پوست روباه را به دندان کشیدن
 (۳) چون پلنگ پوست روباه دریدن
 (۴) پوست روباه را چون پوست پلنگ به زیر افکندن
- ۳۸- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 خنده‌زنان از کمرش لعل ناب (۱) فروغ لعل کمر ممدوح، بر کواکب کمر آفتاب برتری دارد.
 بر کمر لعل گش آفتاب (۲) لعل کمر ممدوح فروغ خود را از لعل کمر آفتاب گرفته بود.
 (۳) لعل ناب از اثر تابش پرتو آفتاب در کمرکش کوه به وجود می‌آید.
 (۴) کواکب کمر آفتاب، فروغ خود را از لعل کمر کوه به عاریه گرفته بود.
- ۳۹- ابیات زیر بر کدام اصل عرفانی دلالت دارد؟
 دیده چون بی‌کیف هر با کیف را (۱) غایت‌اندیشی انسان کامل
 پیشتر از خلقت انگورها (۲) تقدم وجودی انسان کامل بر اعیان
 در شعاع شمس می‌بینند فی (۳) قدمت وجودی انسان کامل در اعیان ثابت
 (۴) قدمت وجودی انسان کامل در اعیان ثابت
- ۴۰- در ابیات زیر به کدام واقعه تاریخ اسلام اشاره شده است و عارفان از آن چه تأویلی به دست داده‌اند؟
 زان سبب فرمود یزدان والضحی (۱) انقطاع وحی به پیامبر (ص) - عارف کامل در قبض نیز از حق جدا نیست.
 باز و آیل است ستاری او (۲) عروج پیامبر اکرم در شب معراج - جسم عارف، همچون روح او شریف است.
 آفتابش چون برآمد زان فلک (۳) بیماری پیامبر (ص) و صحت یافتن وی - ابتلای جسمانی عارف مانع تعالی روحانی او نیست.
 وصل پیدا گشت از عین بلا (۴) ملال خاطر پیامبر (ص) در مرگ حضرت خدیجه - بلاها روح انسان کامل را از عروج باز نمی‌دارد.
- ۴۱- مضمون کدام بیت مصداق رفض اسباب و علل است؟
 چون قضا آید شود تنگ این جهان (۱) از قضا حلاوا شود رنج دهان
 گر پیرانیم تیر آن نه ز ماست (۲) ما کمان و تیراندازش خداست
 سنگ بر آهن زنی بیرون جهد (۳) هم به امر حق قدم بیرون نهد
 دم گاو کشته بر مقتول زن (۴) تا شود زنده همان دم در کفن

۴۲- مفهوم تمثیل زیر در کدام گزینه آمده است؟

همچو کشتیبان همی افراشت سر
مدتی در فکر آن می‌مانده‌ام
مرد کشتیبان و اهل و رایزن
می‌نمودش آن قدر بیرون ز حد
چشم چندین، بحر هم‌چندینش است

آن مگس بر برگ گاه و بول‌خر
گفت من دریا و کشتی خوانده‌ام
اینک این دریا و این کشتی و من
بر سر دریا همی راند او عمد
... عالمش چندین بود کش بینش است

(۱) تصورات باطل موجب توهم‌زدگی متوهمان است.

(۲) ماهیت فهم متأثر از موقعیت ادراک‌کنندگان است.

(۳) علم‌زدگی عالمان ظاهری محصول غرور علمی آنهاست.

(۴) بطلان ادعای عالمان بی‌عمل محصول تأویل باطل است.

۴۳- کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

نمی‌کنی به ترخم نطق سلسله سست
که پریشانی این سلسله را آخر نیست
گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
هر که عاقل می‌شود اینجا به زنجیرش کنند
هیچ لایق‌ترم از حلقه زنجیر نبود

شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز

(۱) روز اول که سر زلف تو دیدم گفتم

(۲) گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست

(۳) خط آزادی بود مشق جنون در ملک عشق

(۴) من دیوانه چو زلف تو رها می‌کردم

۴۴- مفهوم کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

به سیب بوستان و شهد و شیرم
چگونه سیب زنخندان او غبار گرفت
چشم بر سیب زنخندان ز هوس نیست مرا
شد از فشردن دل هر که را که دندان سرخ
می‌توان خوردن به لب سیب زنخندان ترا

چو طفلان تا کی ای زاهد فریبی

(۱) هوای گلشن فردوس بی‌غبار بود

(۲) هست افشردن دندان به جگر میوه من

(۳) خیال سیب زنخندان یار می‌گذردش

(۴) این لطافت نیست هرگز میوه فردوس را

۴۵- در بیت زیر «به شاخ بز و میش بودن» به چه معنا است؟

سرسیزی این باغ به شاخ بز و میش است

از برگ طراوت نگه‌ی آب ندادیم

(۱) به کوشش فراوان نیاز داشتن

(۳) لخت و عریان بودن

(۲) محال و غیرممکن بودن

(۴) بی‌برگ و بار بودن

۴۶- معنی ترکیب مشخص شده در کدام بیت درست است؟

چراغ زندگی گل کرد کی پروانه خواهی شد (خاموش شدن)

از یک سخن سرد دل ناز توان سوخت (افسوس خوردن)

اگر در دست من می‌بود اول بار می‌بستم (خشک شدن)

سرگذشت سنگ طفلان از من شیدا مپرس (شکسته شدن)

(۱) بهار نوجوانی رفت کی دیوانه خواهی شد؟

(۲) واسوختگی شیوه ما نیست وگرنه

(۳) به تکلیف بهاران شاخسارم غنچه می‌بندد

(۴) بر نمی‌آید صدا از شیشه چون شد توتیا

۴۷- با توجه به متن زیر، معنای درست عبارت مشخص شده در کدام گزینه آمده است؟

«مئل بنده مؤمن مثل باز است. باز را چون بگیرند و خواهند که شایسته دست شاه گردد، مدتی چشم او بدوزند،

بندی بر پایش نهند، در خانه‌ای تاریک باز دارند، از جفتش جدا کنند، یک چندی به گرسنگیش مبتلا کنند تا

ضعیف گردد.... و طبع گذاشتگی دست بدارد.»

(۱) سرشت آزادی خود را فراموش کند.

(۳) از عادت بسیارخواری رها شود.

(۲) از خوی تهاجم دست شوید.

(۴) از خوی انس با طبیعت برخیزد.

۴۸- با توجه به متن زیر، رسیدن به شهود مستلزم چیست؟

«در بدایت فطرت چون وجود روح پدید آمد، عین وجود او دوگانگی ثابت کرد میان او و حضرت. تا اگرچه روح، حق را در آن مقام به یگانگی دانست، اما به یگانگی نشناخت؛ زیرا که شناخت از شهود خیزد و شهود از وجود درست نیاید که شهود ضد وجود است.»

(۱) تفکیک روح از وجود (۲) حصول شهود از وجود

(۳) انقطاع روح از تعلق وجود (۴) وقوف کامل به حقیقت روح و شهود

۴۹- مفهوم «سماع کردن در عرس» در عبارت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«و مرید صادق را سماع در این مقام حلال شود از چند وجه؛ یکی آنکه چون نفس از صفات ذمیمه میرد، عرس او را سماع باید کرد.»

(۱) حلیت سماع در عروسی (۲) مذمت سماع در مرگ صفات نفسانی

(۳) تبعیت مرید از مراد در سماع (۴) حلیت سماع در مرگ صفات نفسانی

۵۰- مفهوم کدام گزینه با عبارت زیر متفاوت است؟

«احمد بن ابی الحواری اندر ابتدا طلب علم کرد و به درجه ائمه رسید. آنگاه کتب خود برداشت و به دریا برد.»

(۱) نفی عبارت از تحقیق معنی (۲) الاشتغال بالدلیل بعد الوصول محال

(۳) تلاشی عبارت بعد از وصول مشاهدت (۴) راست نیامدن شستن کتاب از سکر ابتدا

۵۱- عبارت «حبیب عجمی را گفتند بازرگانی دست برداشتی، گفت: پابندانی، ثقه است» وصف چه مقامی است؟

(۱) رضا (۲) صبر (۳) توکل (۴) توفیق

۵۲- با توجه به عبارت «بواده ایشان را از حال خویش بگرداند و هواجم در ایشان تصرف کنند»، بواده یعنی چه؟

(۱) آن بود کی مختلف بود اندر انواع به حسب قوه وارد و ضعف او.

(۲) آن بود کی ناگاه اندر دلت افتد از غیب بر سبیل وهلت.

(۳) آن بود کی به همگی از همگی خویش باطل کند.

(۴) آن بود کی بر دل آید به قوت وقت بی کسب تو.

۵۳- ابیات زیر بر کدام اصل عرفانی دلالت دارد؟

«غَابَتْ صَفَاتُ الْقَاطِعَاتِ أَكْفَهَا فَي شَاهِدْ هُوَ فِي الْبَرِيَّةِ اِبْدَعْ

غَيْبٌ عَنِ اَوْصَافِهِنَّ فَلَمْ يَكُنْ مِنْ نَعْتِهِنَّ تَلْدُذُّ وَ تَوْجُّعْ»

(۱) صحو بعد از سکر (۲) غلبه شهود و زوال احساس

(۳) انقطاع وجد و نفی وجود (۴) انکشاف حق و غیاب نفس

۵۴- حکایت زیر بر کدام اصل یا اصطلاح عرفانی دلالت دارد؟

«وقتی در بغداد درویشی که راه توکل سپردی و طریق سؤال مسدود داشتی، روزی احتیاجش به غایت رسید، خواست که فتح‌الباب سؤال کند، پشیمان شد و با خود گفت حالی که چندین‌گاه با حق تعالی بر آن بسر برده‌ام اکنون نقض آن نکنم. صبر کرد آن شب به خواب دید که هانفی آواز داد که فلان جای خرقة پاره‌ای ازرق نهاده است و در وی چندین قراضه زر بسته، برو و آن را در وجه احتیاج خود صرف کن. چون از خواب درآمد بر مقتضای اشارت بدان جای رفت و آن خرقة را بر همان وصف یافت.»

(۱) کشف مجرد (۲) خیال مجرد

(۳) کشف مخیل (۴) خیال منفصل

۵۵- در عبارتهای زیر، کدام اصطلاح دیوانی درست معنی شده است؟

- (۱) اگر رأی عالی ببیند تا بنده مواضعتی بنویسد و آنچه درخواستی است، درخواهد. (تذکره)
- (۲) نامه دریند با ملطفه معما با ترجمه در میان رقعتی نهادم و نزد آجاجی بردم. (نامه کشف رمز شده)
- (۳) و آخرین قصه، طوماری بود افزون از صد خط مقررمت و خادمی خاص آمده بود تا یله کند. (خط معما)
- (۴) تا بوسهل رفته بود، مرا می‌نشانند در مجلس مظالم. پس عارض را مثال داد و نام مقدمان می‌برد او. (سپهسالار لشکر)

۵۶- کدام عبارت، درست معنی شده است؟

- (۱) آواز داد بگتگین را بر من این کار آوردی. (به بگتگین گفت تو به من خیانت ورزیدی.)
- (۲) اگر به خود باشید شما را بنوازیم و به سزا داریم. (اگر قدر خود را بدانید ما نیز شما را قدر دانیم و پاداش دهیم.)
- (۳) سخن وزیر را به غنیمت گیر که گفته است: این به تبرع می‌گوید و به نصیحت. (سخن وزیر را مغتنم شمار که آن را درست و فی‌البداهه برای نصیحت می‌گوید.)
- (۴) گفت تا در اندیشم که چنان خواست که تفرّد در این نکته او را بودی. (گفت باید فکر کنم زیرا می‌خواست در این باب خود تصمیم‌گیرنده باشد.)

۵۷- در عبارتهای زیر کدام کلمه درست معنی شده است؟

- (۱) اما هیچ ناقص‌تر از خراطین نیست که اندر گل جوی بود. (جلیک)
- (۲) در اثنای کتابت و مساقی ترسل بر ارباب حرمت و اصحاب حشمت نستیزد. (ارسال)
- (۳) چون مأمون به بیت‌العروس آمد خانه‌ای دید مجصّص و منقّش ایزار چینی زده. (گچ‌بری)
- (۴) امروز بر ساهره این کره اغبر و در دایره این چتر اخضر هیچ پادشاهی مرفّه‌تر از این خداوند نیست. (پیشانی)

۵۸- معنی درست نمادهای مشخص‌شده در متن زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «از پیش اشتر مست بگریخت و به ضرورت خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود، هر دو پای بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ بیرون گذاشته بودند، نظر به قعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید، به سر چاه التفات نمود، موشان سیاه و سپید بیخ آن شاخ‌ها دایم بی‌فتور می‌بریدند.»
- (۱) دنیا، عناصر اربعه، نفس، شب و روز
 - (۲) دنیا، امهات اربعه، مرگ، قمر و آفتاب
 - (۳) دنیا، طبایع، نفس، قمر و آفتاب
 - (۴) دنیا، طبایع، مرگ، شب و روز

۵۹- مفهوم کلی صفت پادشاه بر کدام گزینه دلالت دارد؟

- «پادشاه در مذهب تشفی صلب باشد و در دین انتقام، غالی. تأویل و رخصت را البته در حوالی سخط و کراهیت راه ندهد.»
- (۱) شفاعت‌پذیری و کظم غیظ
 - (۲) شفاعت‌ناپذیری و سخت‌گیری در انتقام
 - (۳) نصیحت‌پذیری و کراهیت از انتقام
 - (۴) صلابت در مذهب و تعصب در دین‌داری

۶۰- معنی کنایی عبارت مشخص‌شده در کدام گزینه درست است؟

- (۱) به لعلّ و عسی خویشتن را خوشابی می‌دادم. (فریفتن)
- (۲) نیک‌عهدی که ابنای عهد در وفای عهد غبار او نتوانند شکافت. (ناتوانی از عیب‌جویی)
- (۳) اگر هوای خراسان بر آتشم ندادی، غم‌های جهان را باد پندارمی. (شور و اشتیاق افکندن)
- (۴) بدین قلّه که می‌بینی تیز رکابانند که در چابکی موی از سر می‌ریابند. (نهایت تردستی و جلدی)

۶۱- مفهوم «آکفت کبیر» در کدام گزینه آمده است؟

- «غم بلاست و فاقه بلاست و نزدیکی دشمن بلا و فراق دوست بلا و ناتوانی بلا و خوف بلا و عنوان همه بلاها مرگ است و صوفیان آن را «آکفت کبیر» خوانند.»

- (۱) امتحان بزرگ
- (۲) عقاب بزرگ
- (۳) مصیبت بزرگ
- (۴) هلاکت بزرگ

- ۶۲- متن زیر از نظر معنی و مفهوم با کدام بیت تناسب دارد؟
 «با خود گفت: این گربه چنین عاجز و ضعیف افتاده است، تواند بود که از عالم غیب قوتی که تا اکنونش ندادند، بدهند و او قوی حال شود و از فراش بیماری به انتعاش صحت رسد و از من مستغنی گردد و حال چنان شود که گفته‌اند:»
 (۱) إذا هم القی بین عینیہ عزمه و نکتب عن ذکر العواقب جانباً
 (۲) و ایاک و الامر الذی ان توسعت موارده ضاقت علیک المصادر
 (۳) اخاک اخاک ان من لا اخاله کساع الی الھیجا بغیر سلاح
 (۴) فبإدر بمعروف إذا کننت قادراً جذار زوال او غنی عنک یعقب
- ۶۳- در متن زیر، عبارت «أفلت و له حصاص» به چه معناست؟
 چون مجادله و محاوره ایشان اینجا رسید، شب درآمد و حاضران انجمن چون انجم بنات‌النعش بپراکندند، گاوپای عنان معارضه برتافت و «أفلت و له حصاص»
 (۱) با شتاب صحنه را ترک کرد.
 (۲) گرد و خاک برانگیخت.
 (۳) سست و بی‌حرکت افتاد.
 (۴) از در دوستی درآمد.
- ۶۴- در عبارت زیر، معنی جمله‌ای که زیر آن خط کشیده شده، چیست؟
 «و هر آنکه نهال خلاف نشاند با تفاق میوه آن ندامت و حسرت برداشت و سلطان سعید را از فظاقت خوی و درشتی عادت و خیم و خامت حاصل آمد و عاقبت اعقاب را مرارت عقاب بایست چشید و اخلاف را مرارت خلاف کشید.»
 (۱) سرانجام، آیندگان باید تلخی مجازات آن را بچشند.
 (۲) عاقبت، اخلاف تلخی مجازات اسلاف را خواهند چشید.
 (۳) سرانجام در عالم آخرت، به مجازات اعمال خود خواهند رسید.
 (۴) سرانجام آیندگان، به تلخی عقاب خود مبتلا خواهند شد.
- ۶۵- مفهوم کلی عبارت مشخص شده کدام است؟
 «و انعامش بر کافه خلایق عام، بی‌انتظار ماه و عام شد، وجود او و جود جوادا رهان بود و ذات او و ثبات، رضیعا لبان. ذکر حاتم طی در روزگار او طی شد.»
 (۱) وجودش با جود و ثبات خو گرفته بود.
 (۲) وجودش سابق بر جود و ثبات بود.
 (۳) جود و ثباتش فطری بود.
 (۴) جود و ثبات از وجودش منتفع شده بود.
- ۶۶- در کدام گزینه واژه مشخص شده درست معنی شده است؟
 (۱) صحایف کتب او آب صفایح کتائب ببرد: (برگه‌های کتاب)
 (۲) شیران با گوران خوگر گشته، ضباع با ثعالب مستأنس شده: (گرگ‌ها)
 (۳) پیران و سال خوردگان بر سبیل ضراعت پیش خان آیند: (به اضطرار)
 (۴) دویست بالش زر التماس کرد به ارتاقي: (تجارت با سرمایه دیگری)
- ۶۷- مفهوم کنایی کدام گزینه متفاوت است؟
 (۱) آن هزبر محارب در مخالب احداث و انیاب نواب بربالیده
 (۲) بنای سنمار به لگد کوب بوتیمار منهدم شده
 (۳) بلارک هندی به برگ هندبا منظم گشته
 (۴) تهلان بیخ‌آور رجا را رجا درآورده

۶۸- مفهوم کدام گزینه با عبارت زیر متفاوت است؟

«غزاله و بره در یک مرتع اجتماع یابند.»

(۱) نصارای برد بر سنت حواریان گازی می‌کردند.

(۲) فرآش نسیم سماط جهان سپیدگلیم درهم پیچید.

(۳) خفتگان زمین در آن وقت به بانگ رباب از خواب درآیند.

(۴) هوای هوی‌انگیز از برای خوشی بوستان غالیه‌سای بر دست گیرد.

۶۹- در رباعی زیر مصراع چندم در وزن اصلی است؟

۲- وز دور فلک چیست که نافع دارم

۴- شد دشمن من وه که چه طالع دارم

(۳ سوم (۴ چهارم

۱- عمری ز پی مراد ضایع دارم

۳- با هر که بگفتم که تو را دوست شدم

(۱ اول (۲ دوم

۷۰- کدام گزینه در بحر رجز مسدس مقطوع سروده شده است؟

با یاریش حاجت به دیاری نداریم

چون سرو زرین پر عقیق یمن

ای درد و درمان درمان چه باشد

شادان دل و آگه ز هر رازم کن

(۱) ما عاشقان غیر از خدا یاری نداریم

(۲) پیچان درختی نام او نارون

(۳) گفتم که ای جان خود جان چه باشد

(۴) مشتاق دیدارم سرفرازم کن

۷۱- قافیه کدام بیت درست است؟

لب از تشنگی خشک بر طرف جوی

صبر از تو خلاف ممکنات است

برون از رمق در حیانتش نیافت

آمده است او هی مبریدش

(۱) دلارام در بـ دلارام جوی

(۲) دیدار تو حل مشکلات است

(۳) یکی در بیابان سگی تشنه یافت

(۴) جان من است او هی مزیدش

۷۲- در بیت زیر، نقش نحوی مصرع اول چیست؟

بیان کند که چه بوده‌ست ناشکیبا را»

(۳ مسندلیه (۴ قید علت

«تو را در آینه دیدن جمال طلعت خویش

(۱ مفعول (۲ فاعل

۷۳- در کدام گزینه، نوع حرف ربط «که» متفاوت است؟

بباید که ما خاک باشیم و خشیت

تیغ‌زنان صبح در آمد ز در

که پیغامی آمد به گوش دلش

گشت سگ از پرده گرد آشکار

(۱) بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

(۲) من شده فارع که ز راه سحر

(۳) فرو رفت خاطر در این مشکش

(۴) او به سخن در که در آمد غبار

۷۴- در عبارت زیر از ترجمه کلیله و دمنه، کدام گزینه درباره «ناپوسان» درست است؟

«و فتنه آنکه جنگ‌های ناپوسان و کارهای نااندیشیده حادث گردد و شمشیرهای مخالف از نیام برآید.»

(۱) صفت نسبی (۲) صفت مفعولی

(۳) صفت فاعلی حالیه (۴) مطابقت صفت با موصوف جمع

- ۷۵- نقش نحوی جملهٔ پیرو بعد از موصول «که» در کدام گزینه متفاوت است؟
- (۱) وصفت آن نیست که در وهم سخندان گنجد
 (۲) سعدی آن نیست که در خورد تو گوید سخنی
 (۳) طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی
 (۴) شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد
- ۷۶- در دو بیت زیر چه صنایع بلاغی دیده می‌شود؟
- بدین دو مصرع آخر که ختم خواهیم کرد
 دو چیز حاصل عمر است نام نیک و ثواب
- (۱) اغراق، حسن طلب، تلمیح
 (۲) استتباع، اعتراض، اقتباس
 (۳) مفاخره، حسن طلب، اقتباس
 (۴) شریطه، تضمین، ایضاح بعد از ایهام
- ۷۷- در واژهٔ «پیشانی» مصراع دوم کدام صنعت ادبی نهفته است؟
- «وجودت پیشانی خلق از اوست»
 «ندارم پیشانی خلق دوست»
- (۱) ایهام تبادر (۲) ایهام تناسب (۳) استخدام (۴) ایهام
- ۷۸- رابطهٔ بدیعی «عشق» و «هوا» در بیت زیر چیست؟
- «سر درس عشق دارد دل دردمند حافظ»
 «که نه خاطر تماشانه هوای باغ دارد»
- (۱) ایهام ترجمه (۲) ایهام تبادر (۳) ایهام تناسب (۴) ایهام تضاد
- ۷۹- در بیت زیر، خبر مفید چه اغراض ثانویه‌ای می‌تواند باشد؟
- «خوبرویان جفاپیشه وفا نیز کنند»
 «به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند»
- (۱) استمداد - بیان آرزو (۲) استرحام - اظهار گلایه
 (۳) حسن طلب - هشدار (۴) اغراء - اظهار تأثر
- ۸۰- در بند زیر حکم کدام یک از مواضع فصل و وصل نقض شده است؟
- «نفست شکفته بادا و / ترانهات شنیدم / گل آفتابگردان! / گل آفتابگردان!»
- (۱) اتحاد خبر و انشاء در جملات پیاپی
 (۲) شبه کمال اتصال
 (۳) کمال اتصال
 (۴) کمال انقطاع
- ۸۱- کدام گزینه از حیث خبر و انشاء با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
- (۱) نه بر حکم شرع آب خوردن خطاست
 (۲) نه پیش از تو پیش از تو اندوختند
 (۳) نه بر باد رفتی سحرگاه و شام
 (۴) نه ابلیس بد کرد و نیکی ندید
- ۸۲- براساس تعریف زیر از کتاب *مختصر المعانی*، کدام گزینه را باید کنایه به‌شمار آورد؟
- «الکنایه فی الاصطلاح: لفظ اربید به لازم معناه مع جواز ارادته معه، ای ارادة ذلک المعنی.»
- (۱) او وزیری داشت گبر و عشوه‌ده
 (۲) تو به در او شده زنه‌ارخواه
 (۳) گره به باد مزین گرچه بر مراد رود
 (۴) بگفت آنچه دانست و بایسته گفت
- ور کسی گفت مگر هم تو زبانش باشی
 آن چه در وسع خودم در دهن آمد گفتم
 صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست
 بندهٔ طلعت آن باش که آنی دارد
- امید هست به تحسین و گوش بر احسان
 وزین دو درگذری «کل من علیها فان»
- وگر خون به فتوا بریزی رواست
 به بیداد کردن جهان سوختند
 سریر سلیمان علیه‌السلام
 بر پاک ناید ز تخم پلید
- کاو بر آب از مکر برسستی گره
 دشمنه همی مالادت او بر فسان
 که این سخن به مثل مور با سلیمان گفت
 به گل چشمه خور نشاید نهفت

- ۸۳- کدام گزینه دربارهٔ بیت زیر درست است؟
 «دو رسته درم در دهن داشت جای چو دیواری از خشت سیمین به پای»
 (۱) دو رسته در مشبه و استعاره مکنیه
 (۲) خشت سیمین استعاره، دیوار مشبه‌به
 (۳) دو رسته در مشبه و استعاره مصرحه
 (۴) دو رسته در مشبه‌به، دیواری از خشت سیمین استعاره مکنیه
- ۸۴- نوع تشبیه در کدام گزینه متفاوت است؟
 (۱) دل صنوبریم همچو بید لرزان است
 (۲) در نعل سمند او شکل مه نو پیدا
 (۳) باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است
 (۴) چو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند
 در بیت زیر «سرچشمه» از نظر بلاغی چه جایگاهی دارد؟
 «ز سرو قد دلجویت مکن محروم چشمم را بدین سرچشمه‌اش بنشان که خوش آبی روان دارد»
 (۱) مشبه
 (۲) مشبه‌به
 (۳) استعاره مصرحه مرشحه
 (۴) استعاره مصرحه مجرده
- ۸۶- کدام گزینه بیانگر ویژگی‌های اصلی سبک خراسانی است؟
 (۱) اتکا به واقع‌گرایی و والایی مقام معشوق
 (۲) اتکا به پند و اندرز و اغراق در مدیحه‌پردازی
 (۳) رواج معارف اسلامی و خوارداشت آیین‌های ایرانی
 (۴) اتکا به روحیه حماسی و اعتقاد به تساهل و شادباشی
- ۸۷- کدام گزینه درباره ویژگی‌های سبک هندی درست است؟
 (۱) مفردات یا «فرد» قالب مسلط شعر این دوره است.
 (۲) در سبک هندی توجه به بدیع و بیان - نسبت به سبک شعر دوره قبل - بیشتر شده است.
 (۳) شعر هندی، شعری معنی‌گراست، نه صورت‌نگرا و شاعران بیشتر به معنی توجه دارند تا به زبان.
 (۴) ساختار بیت در سبک هندی براساس پیش‌مصرع (مصرع محسوس) و مصرع برجسته (مصرع معقول) بنا شده است.
- ۸۸- در کدام گزینه «اضطراب سبکی» دیده می‌شود؟
 (۱) خیال خام پلنگ من به سوی ماه پریدن بود
 (۲) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران
 (۳) در این سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند
 (۴) با کودکی‌ها که طی شد بی‌شادی کودکانه
 کدام گزینه درست است؟
 (۱) اوراد/الاحباب را خوافی در آداب تصوف به نثر ساده نوشت.
 (۲) فردوس/المرشدیة محمدبن عثمان، ترجمه کتاب شد/الآزار است.
 (۳) افلاکی در نوشتن مناقب/العارفین به رساله سپهسالار نظر داشته است.
 (۴) مصباح/الهدایه را عزالدین محمود کاشانی تحت تأثیر عوارف/المعارف سهروردی نوشت.

- ۹۰- کدام گروه جزو شاعران شاخص مکتب وقوع هستند؟
 (۱) فتاحی نیشابوری، جلال اسیر، محمدتقی کمره‌ای
 (۲) غزالی مشهدی، کلیم کاشانی، لطف‌الله نیشابوری
 (۳) لسانی شیرازی، شرف‌جهان قزوینی، اهلی شیرازی
 (۴) محمدطاهر غنی کشمیری، شرف‌جهان قزوینی، محتشم کاشانی
- ۹۱- کدام فرهنگ لغت در ایران تألیف شده است؟
 (۱) برهان قاطع (۲) فرهنگ رشیدی (۳) فرهنگ جهانگیری (۴) انجمن آرای ناصری
- ۹۲- موضوع کدام اثر با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) انیس العشاق (۲) مجمل فصیحی (۳) بدایع الافکار (۴) غزلان الهند
- ۹۳- کدام اثر در باب اصطلاحات نجومی تألیف شده است؟
 (۱) تذکره نصیریّه خواجه نصیر طوسی (۲) نجوم السماء محمدصادق بن مهدی
 (۳) شمس المناقب سروش اصفهانی (۴) بستان السیاحه حاج زین‌العابدین شیروانی
- ۹۴- کدام گزینه درباره شعر دهه هفتاد درست است؟
 (۱) کنار گذاشتن هرگونه تزئین‌گرایی و لحن طنز در کلام شعر
 (۲) نفی و انکار جنبه‌های حماسی و عرفانی و توجه ویژه به زبان و بیان رمانتیک اجتماعی
 (۳) تلاش برای کشف زمینه‌ها و عرصه‌های فراواقع‌گرایانه تخیل و برساختن تصاویر انتزاعی
 (۴) اعراض از مفاهیم کلان در نظام‌های فکری و سیاسی و توجه به چندوجهی بودن واقعیت‌های موجود
- ۹۵- عبارت زیر در باب کدام رمان معاصر فارسی است؟
 «رمانی است پر حجم که ضمن روایت زندگی خانواده‌ای شهرنشین، وضعیت بد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به‌خصوص تأثیر منفی مدرنیسم بر جامعه ایران را در آغاز قرن حاضر با جزئیات رئالیستی به‌تصویر می‌کشد.»
 (۱) جای خالی سلوچ (۲) شوهر آهو خانم (۳) سووشون (۴) چشم‌هایش
- ۹۶- در کدام رهیافت اساساً میان دستاورد هنری و دستاورد اجتماعی تمایزی وجود ندارد؟
 (۱) تاریخ‌گرایی نوین (۲) مکتب شیکاگو (۳) ماتریالیسم فرهنگی (۴) پس‌اساختارگرایی
- ۹۷- کدام مکتب در سده بیستم اصول ارسطویی را در نقد خویش بیشتر به‌کار برد؟
 (۱) نقد نو (۲) مکتب شیکاگو (۳) مکتب پرناس (۴) ساختارگرایی
- ۹۸- کدام تعریف درباره «انواع نشانه» درست است؟
 (۱) شمایل، به نحو تقریباً پوشیده‌ای به آنچه بازنمایی می‌کند، شبیه است.
 (۲) نمایه، پدیده‌ای است طبیعی که بر پدیده‌ای دیگر دلالت می‌کند و با آن پیوندی علی دارد.
 (۳) نماد، نشانه‌ای است که رابطه آن با مدلولش قراردادی نیست، بلکه امری فرهنگی است.
 (۴) علامت، به پدیده‌ای دلالت دارد که مستقیماً قابل درک است و فرستنده آن قصد ارتباط ندارد.
- ۹۹- کدام گزاره در باب دیدگاه‌های فروید درباره هنرمندان درست است؟
 (۱) هنرمندان، عموماً افرادی مسئله‌مند هستند که با اتصال به ضمیر ناخودآگاه عقده‌های ناگشوده خود را به زبان هنر بازتولید می‌کنند.
 (۲) هنرمندان، شخصیت‌های روان‌نژند مثبت هستند که با استفاده از اصل تصعید امیال خفته خود را به‌صورت هنری بیان می‌کنند.
 (۳) هنرمندان تجربه‌های سرکوب‌شده خود را در فرایند تخیل‌ورزی در ضمیر ناخودآگاه خود به زبان هنری بیان می‌کنند.
 (۴) هنرمندان به دلیل ارتباط بی‌واسطه با تخیل در فرایند خلق اثر هنری، رابطه‌ای ممتاز با ضمیر ناخودآگاه دارند.

۱۰۰- کدام گزینه تعریف اصطلاح «انضمامی‌سازی» است؟

- ۱) اثر ادبی، واقعیت وجودی خود را از ارتباطش با زمینه فرهنگی و اجتماعی که در آن آفریده شده است، کسب می‌کند و به آن زمینه مرتبط می‌گردد.
- ۲) آنچه به اثر ادبی واقعیت وجودی می‌بخشد، خلاقیت و نبوغ آفریننده آن نیست، بلکه ارتباط معنادار آن با گفتمانی است که وجود اثر را ضروری می‌سازد.
- ۳) اثر ادبی به مثابه یک رمزگان نوشتاری، وجودی مجازی دارد و تنها هنگامی واقعیت پیدا می‌کند که خواننده شود و به نحو خلاقانه‌ای تحقق یابد.
- ۴) تا زمانی که اثر ادبی توسط خوانندگان آشنا با زمینه فرهنگی خلق اثر، خوانده نشده و در افق فکری آنان درک نشده، انضمامیت تحقق نمی‌یابد.

